

شبکه تروریستی بهائیت علیه علماء

۱۷ مهر ۱۳۹۵ ساعت ۱۸:۵۳

لبه تیز حمله این گروه تروریستی و مرموز، که به غلط به عنوان یک گروه انقلابی معروف شده، علیه علماء بود. مستشارالدوله صادق می‌نویسد: «آقایان علماء برای جان خود خوفناک و از طرف دیگر بدون حق و حساب متوقع بودند که هیئت دولت تازه روی کارآمده معجلاً قاتلین و محرکین را دستگیر کند.»

در میان اوراقی که در لابلاهای کتابهای خطی آیت‌الله محدث قمی به دست آمد، یکی هم نوشته کوتاهی است که از طرف افراد «کمیته مجازات دموکرات مشهد» بعنوان تهدید وی از سخنانی که در انتقاد از امریکائی‌ها در منبر ایراد کرده بود، برایش ارسال داشته اند.

عین آن نوشته این است:

«آقای آقا شیخ عباس قمی! پدر سوخته! شنیدم که در منبر از امریکائی‌ها حرف بد می‌زنید، اگر شنیده شد که دومرتبه از این گونه مزخرفات بگوئید و تکذیب نکنید همین دوشنبه به ضرب گلوله شکمت را مثل سگ پاره پوره خواهیم کرد.»

کمیته مجازات دموکرات مشهد»

می‌بینیم که مرحوم حاج شیخ عباس بر اثر سخنانی که زمان اقامت مشهد در منبر راجع به نفوذ و خطر امریکائی‌ها گفته است، از طرف «کمیته‌ی مجازات دموکرات مشهد» که یک انجمن سری بوده است، تهدید به قتل می‌شود و روز قبل از موعد، که به دیدن حاجی‌ها رفته بود، وجهی فی‌الحال به او می‌دهند، و او نیز همان روز عازم حج می‌شود، دموکرات هم از بین می‌رود و قضیه منتفی می‌گردد.

ریشه‌های تهدیدات تروریستی علیه علماء به دوران مشروطه باز می‌گردد و در این دوران نام دو تن از تشکیل‌دهندگان کمیته مجازات، که بعدها علنی شد، به چشم می‌خورد: ابوالفتح‌زاده و منشی‌زاده.

سران کمیته مجازات (۱۳۳۵ ق. / ۱۲۹۵ - ۱۲۹۶ ش.) به ویژه اسدالله خان ابوالفتح‌زاده، ابراهیم خان منشی‌زاده و محمدنظرخان

مشکات الممالک، بهایی بودند و به تبلیغات بهاییگری شهرت داشتند. (بامداد، ج ۱، ص ۱۱۲؛ تبریزی، اسرار تاریخی، ۲۳).

تبریزی می‌نویسد که آنان به بهائی بودن شهرت کامل داشتند. (تبریزی، ص ۳۶)

لبه تیز حمله این گروه تروریستی و مرموز، که به غلط به عنوان یک گروه انقلابی معروف شده، علیه علما بود. مستشارالدوله صادق می‌نویسد: «آقایان علما برای جان خود خوفناک و از طرف دیگر بدون حق و حساب متوقع بودند که هیئت دولت تازه روی کارآمده معجلاً قاتلین و محرکین را دستگیر کند.»

(اسناد مستشارالدوله صادق، ص ۱۱۷) یکی از اقدامات آنها قتل میرزا محسن مجتهد، فرزند محمدباقر صدرالعلما و برادر میرزا جعفر صدرالعلما، بود، زیرا به گفته مهدی بامداد، «پیش از کشته شدنش به واسطه هر جهتی که بود عنوان و نفوذ زیادی در تهران و بلکه ایران پیدا کرده بود». (بامداد، شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۱۳)

و اما چرا باید کمیته مجازات مخالف سخنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی علیه آمریکاییها باشد؟ در این دوران از سوی محافل ماسونی وابسته به لژیون‌های ایران و سازمانهای علنی آن، مانند فرقه دمکرات، تلاش وسیعی برای جلب آمریکائیان به ایران در جریان بود. گفته می‌شود که این اقدام خیرخواهانه و برای کشیدن پای نیروی سومی در مقابل روسیه‌ی تزاری و استعمار انگلیس بوده که چنین نیست.

در واقع، در اینجا ما با آمریکا دقیقاً به عنوان یک نیروی استعماری تازه نفس روبرو هستیم. در همین دوران بود که توسط سران حزب دمکرات تقی‌زاده - نواب در زمان وزارت خارجه حسینقلی خان نواب، طرح استخدام مورگان شوستر آمریکایی به تصویب مجلس رسید (۱۱ اوت ۱۹۱۰) و حسینقلی خان نواب در ۲۲ ذیحجه / ۱۳۲۸ / ۲۵ دسامبر ۱۹۱۰، دو روز قبل از استعفا‌ی اجباری‌اش از وزارت خارجه، دستور استخدام مستشاران آمریکایی را به نبیل‌الدوله، شارژدافر ایران در واشنگتن، صادر کرد (مک‌دانیل، شوستر، ۱۱۴)

زمانی که تلگراف نواب به نبیل‌الدوله رسید، او وقت را تلف نکرد و به گفته‌ی مکدانیل «آمادگی» داشت. او قبلاً ویلیام مورگان شوستر را یافته بود. همان روز نبیل‌الدوله با شوستر مذاکره کرد و شوستر با ویلیام تافت، رئیس‌جمهور آمریکا، ملاقات نمود. و بدینسان، به سرعت کار خاتمه یافته تلقی شد. (مکدانیل، شوستر، ۱۱۵).

بنابراین، حسینقلی خان نواب را باید طراح اصلی استخدام مستشاران آمریکایی‌دور ایران دانست.

در این ماجرا، بهاییان نقش مهمی داشتند که تاکنون مورد بررسی دقیق قرار نگرفته. نبیل‌الدوله از سران بهائیت و از دوستان عباس افندی بود. او از خانواده‌ی لسان‌الملک سپهر است و به گفته‌ی رائین، در فراماسونری امریکا مقام شامخی داشت. (رائین،

نبیل الدوله به محفل بهائیان ایران نامه‌ای نوشت و از آنها تقاضا کرد که در روز ورود شوستر از وی استقبال شایان به عمل آوردند. بهائیان دو نفر از افراد انگلیسی‌دان خود رابه استقبال شوستر به انزلی فرستادند و هنگام ورود شوستر به تهران قریب به صد نفر از بهائیان تهران به قریه مهرآباد به استقبال شوستر رفتند.

«هنگام ورود شوستر به تهران، هیچ یک از مأمورین دولتی به استقبالش نرفت ولی در عوض بهائیان از او استقبال کردند.» (شوستر، اختناق ایران، مقدمه‌ی اسماعیل رائین، ص ۱۰ - ۱۱)

درست در همین زمان بود که محافل مرموزی عباس افندی را به اروپا و آمریکا دعوت کردند و در این سفر سه ساله وی با تبلیغات جدید در رسانه‌های غرب معرفی شد و در مجامع فراماسونری سخنرانی‌های مفصل کرد و از «مذهب انسانیت» و «تجدد در دین» سخن گفت. سرانجام شوستر به علت اولتیماتوم روسها، که حضور آمریکاییها در ایران را تحمل نمی‌کردند، از کار برکنار شد، ولی تلاش برای نفوذ کانونهای معین از آمریکاییان در ایران ادامه یافت.

با این توضیحات، رابطه مرموز و پنج جانبه‌ای میان آمریکاییها، بهائیان، فراماسونری، حزب دموکرات و کمیته مجازات مشاهده می‌شود و در این چارچوب است که سخنان مرحوم حاج شیخ عباس قمی علیه آمریکاییان و علت تهدید او توسط کمیته مجازات روشن می‌گردد.

در همین زمانها بوده که محدث قمی با اطلاع از نفوذ امریکائی‌ها و فعالیت میسیون تبشیری آنها در بعضی از شهرهای ایران و از جمله مشهد، علناً درمنبر از آنها انتقاد می‌کرده و همان نیز باعث نوشتن آن نامه‌ی تهدید آمیز شده بود.

بیان خاطراتی از حسین لله (یکی از عمال ترور کمیته) و کشف هدف اصلی از تشکیل کمیته مجازات :

..... حسین لله پس از آنکه سر دماغ می آمد و پیمان می شد، نخست به سرزنش و شماتت از عظام الملک می پرداخت و می گفت: «این درسها واین مشقها اصلاً به درد نمی خورد. تو باید برای خودت آدمی شوی. به این موزرها و هفت تیرها نگاه کن و اینها را ببین، باید حتماً فن تیراندازی را از من بیاموزی و تیراندازی ماهر شوی، تا اولاً بتوانی آخوند بکشی، و ثانیاً از خودت بتوانی دفاع کنی.»

در همان شب، حسین لله ماجرای ترور مرحوم آقامیرزا محسن، برادر صدرالعلما و داماد سیدعبدالله بهبهانی و عموی همین دکتر محمد سجادی را برای ما حکایت کرد.

حسین لّه گفت: «احسان الله خان و رشیدالسلطان و من از جانب کمیته مأمور ترور میرزا محسن شدیم و هر وقت ترور آخوندها به ما ارجاع می شد، از شادی در پوست خود نمی گنجیدیم. چون برای من و دوستان من کشتن یک آخوند یا یک سید، بزرگ ترین خدمت به آزادی و وطن به حساب می آمد.

ساعت سه قبل از ظهر، احسان الله خان و رشیدالسلطان و من به بازار صحافان رفتیم و.....

کمیته مجازات برای حاجی آقای شیرازی و سید محمدصادق طباطبایی و سید حسن مدرس نیز نامه تهدید به قتل فرستاد. اما فرصت قتل این چندتن و شاید چند تن دیگر را که کمیته مجازات محکوم کرده بود، نیافتند در زمان دستگیری اعضای کمیته مجازات فرقه بهائی در دستگاه نظمیه از چنان نفوذی برخوردار بود که بتواند پرونده را به شیوه دلخواه خود فیصله دهد. نفوذ بهائیان در نظمیه از زمان ریاست کنت دو مونت فورت بر نظمیه تهران آغاز شد.

برخی مورخین کوشیده‌اند تا گردانندگان و دست‌اندرکاران کمیته مجازات را انقلابیونی صادق و خشمگین جلوه دهند که از نابسامانی پس از انقلاب مشروطه و عدم تحقق آرمان‌های شان سرخورده و به تروریسم روی آوردند. این تحلیل، که در سریال تلویزیونی پربیننده هزارستان (ساخته علی حاتمی) انعکاس یافته، به کلی نادرست است. بررسی دقیق زندگینامه گردانندگان کمیته مجازات چهره‌ای به کلی ناسالم و وابسته به کانون‌های استعماری از ایشان به دست می‌دهد و کارگزاران ایشان نیز گروهی اوباش و آدمکش حرفه‌ای چون کریم دواتگر، بودند. برخی نویسندگان عملیات کمیته مجازات را اعتراض انقلابی علیه قرارداد ۱۹۱۹ و دولت وثوق‌الدوله خوانده‌اند. این ادعا نیز به کلی بی‌پایه است. کمیته مجازات در زمان اولین دولت وثوق‌الدوله در سال ۱۲۹۵ ش. / ۱۹۱۶ م. تشکیل شد و تنها پنج ماه (تا پائیز ۱۲۹۶ / ۱۹۱۷) فعالیت کرد. بنابراین، عملکرد آن ربطی به قرارداد ۱۹۱۹ نداشت.

هسته مرکزی کمیته مجازات ابوالفتح‌زاده و منشی‌زاده و مشکات‌الممالک بودند و ابوالفتح‌زاده رئیس کمیته محسوب می‌شد.

بنابراین محقیم که کمیته مجازات را، که سران آن به بهائی‌گری شهرت کامل داشتند، یک شبکه تروریستی بهائی بخوانیم!

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۱۱۰۷/علماء-علیه-بهائیت-تروریستی-شبهه/>